و بدین گونه در هیچ شهرى پیش از تو هشداردهنده‌اى نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینى [و راهى‌] یافته‌ایم و ما از پى ایشان راهسپریم.» (23) گفت «هر چند هدایت کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید براى شما بیاورم؟» گفتند: «ما [نسبت‌] به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم.» (24) پس، از آنان انتقام گرفتیم. پس بنگر فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. (25) و چون ابراهیم به [نا]پدرى خود و قومش گفت: «من واقعاً از آنچه مى‌پرستید بیزارم، (26) مگر [از] آن کس که مرا پدید آورد؛ و البته او مرا راهنمایى خواهد کرد.» (27) و او آن را در پى خود سخنى جاویدان کرد، باشد که آنان [به توحید] بازگردند. (28) بلکه اینان و پدرانشان را برخودارى دادم تا حقیقت و فرستاده‌اى آشکار به سویشان آمد. (29) و چون حقیقت به سویشان آمد، گفتند: «این افسونى است و ما منکر آنیم.» (30) و گفتند: «چرا این قرآن بر مردى بزرگ از [آن‌] دو شهر فرود نیامده است؟» (31) آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم مى‌کنند؟ ما [وسایل‌] معاش آنان را در زندگى دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم، و برخى از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضى [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضى از آنها بعضى [دیگر] را در خدمت گیرند، و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان مى‌اندوزند بهتر است. (32) و اگر نه آن بود که [همه‌] مردم [در انکار خدا] امتى واحد گردند، قطعاً براى خانه‌هاى آنان که به [خداى‌] رحمان کفر مى‌ورزیدند، سقفها و نردبانهایى از نقره که بر آنها بالا روند قرار مى‌دادیم. (33)